

## آیا تا به حال، از دست همسایه ناراحت شده اید؟

یا به عکس، همسایه از شما رنجیده و دلخور شده است؟ ...



یا به عکس، همسایه از شما رنجیده و دلخور شده است؟ علت چیست؟ و ... چگونه می توان از آن پیشگیری کرد و راه همزیستی و حسن معاشرت با همسایگان چیست؟ این مساله گاهی به نشناختن «حقوق» همسایه مربوط می شود، گاهی هم ریشه در رعایت نکردن آن دارد. ببینیم در دستورالعملهای مکتب، چه نکاتی وجود دارد؟

سایه همسایه

آیا دو همسایه، تنها در «سایه» شریکند و نزدیک به هم؟ یا حق و حقوق و حد و حدودی هم وجود دارد؟ بعضی می گویند: «چهار دیواری، اختیاری». اما این سخن، نه معقول است، نه مشروع. نه با عرف سازگار است، نه با شرع و عقل. گرچه انسانها را دیوارهای خانه ها از هم جدا می کند و هر کس وارد محدوده خانه و زندگی خویش می شود، اما زندگی اجتماعی، افراد جامعه را به صورت اعضای يك «خانواده» درمی آورد، که پیوسته با هم در ارتباط، رفت و آمد، برخورد و تعاون اند و نیازهای متقابل به یکدیگر دارند. از این رو، سایه هر کدام از دو همسایه، باید آرام بخش دیگری باشد و هر يك زیر سایه همسایه خود، احساس «امنیت»، «آسودگی» و «اعتماد» کنند. این چیزی است که دستورهای معاشرتی و اخلاقی اسلام بر آن تاکید دارند.

در متون دینی چیزی به نام «حسن الجوار» یا «تعهدالجيران» و ... دیده می شود، یعنی رسیدگی و سرکشی به همسایگان و داشتن رفتاری نیک با آنان و هم آزار نرساندن به همسایه و صبوری و تحمل نسبت به آنچه از ناملایمات، از آن ناحیه سر می زند. همچنان که خود شما نیز از همسایه تان توقع دارید سازگاری نشان دهند و با اندک چیزی عصبانی نشوند و پرخاش نکنند، خودتان نیز در معرض همین خواسته و انتظاراز سوی همسایگانید.

هر چه روحیه دینی و اخوت اسلامی میان افراد جامعه حاکم باشد، به همان اندازه رابطه ها نزدیکتر و صمیمی تر و فاصله ها کمتر و کمتر می شود و دو همسایه، بازوی یکدیگر می شوند و در غم و شادی و راحت و رنج، شریک هم می گردند. برعکس آن در جوامع غربی و اروپایی و غرب زده است، که هر چه علائق مذهبی کمرنگ تر وضعیف تر باشد، زندگیها حالت سردی و کسالت بار می یابد و به زندگی غریبه شبیه می شود، که نه تنها يك دیوار، بلکه دیوارهای متعددی میان دو همسایه و دو هم محل، یا کسانی که در يك خیابان یا يك و مجتمع مسکونی به سر می برند، پدید می آید و همسایه از حال و روزگار همسایه بغلی یا طبقه بالا یا پایین یا خانه روبه روی بی خبر است.

راستی ... این گونه زیستن، انسانی و اسلامی است؟ پس جایگاه عواطف اجتماعی کجاست؟ همسایه کیست؟ وظیفه ما نسبت به او چیست؟ و حد و حریم همسایگی تا کجاست؟ ...

همسایگی و حسن همجواری

«حسن همجواری» تنها يك اصطلاح سیاسی در ارتباط میان کشورها نیست، و تنها کاربرد بین المللی ندارد. میان اهل يك محل، یا در روابط دو همسایه نیز مطرح است. داشتن بهترین خانه، اما با همسایه ای بد و ناهنجار و مردم آزار، مفت هم گران است! افراد عاقل و هوشیار، درجایی خانه می خرند که محلش خوب و همسایگانش سالم و با فرهنگ باشند. وگرنه، یا باید خانه را عوض کنند، یا عمری در رنج و عذاب به سر برند. توجه به همسایه در خریدن و ساختن خانه، مغازه و محل کار، نشانه خردمندی است.

پیشوای نخستین ما، در نامه ای که به فرزندش امام حسن مجتبی(ع) به عنوان توصیه هایی از پدری دنیادیده و باتجربه می نویسد، از جمله می فرماید:

«سل عن الرفیق قبل الطریق و عن الجار قبل الدار»؛ (1) .

پیش از سفر، از همسفر بپرس و پیش از خانه، از همسایه!

آری ... «بسا کس اند، از این همرهان «آری» گوی،

که دل به وسوسه راه دیگری دارند.

بسا کس اند، که جایی موافقان رهند،

که خود، نه جای هماهنگی است و همراهی است.

بدین سبب، نخست باید آیین مهرهی دانست!».

همسایه خوب داشتن، نعمتی ارزشمند است و همسایه خوب بودن، محبت آور و رفیق ساز است. همیشه دلها متوجه جایی می شود که دوستی و نیکی از آنجا بجوشد و بترآود. هر جا که شهد خیر باشد، افراد هم گرد می آیند و افراد و جامعه، دلگرم شده، محیط هم آباد می گردد. نقش رفتار نیک در همسایگی و در ایجاد تجمعهای پرشکوه و الفتهای اجتماعی فراوان است. حضرت علی(ع) می فرماید: آنکه همسایگی اش نیکو باشد، همسایگانش روزافزون می شوند. «من حسن جواره کثر حیرانه» (2).

در حدیث دیگری از امام صادق(ع) آمده است:

«حسن الجوار یعمّر الدیار و یزید فی الاعمار»؛ (3).

«خوش همسایگی»، هم آبادیها را آبادان می سازد و هم عمرها را می افزاید!

در این دو حدیث، هم به بازده عمرانی و اجتماعی سلوک شایسته در همسایگی اشاره شده، هم به منافع شخصی و بهداشت روانی. البته در پادشاهی اخروی آن احادیث فراوانی نقل شده است. (4).

توصیه به «حسن جوار»

حضرت امیر(ع)، پس از آنکه از دست شقی ترین افراد کوردل و کج فهم، ضربت خورد و در بستر افتاد، در آستانه شهادت، وصیای ارزشمندی خطاب به فرزندان و پیروانش فرمود که بخشی از آنها هم به حقوق همسایه مربوط می شود؛ «الله فی حیرانکم، فانها وصیة نیکم، ما زال یوصی بهم حتی ظننا انه سیورثهم»؛ (5).

این سفارش علی(ع) در واپسین لحظات عمر است که فرمود:

خدای را، خدای را، در باره همسایگانتان، که این وصیت پیامبرشماست. پیامبر خدا همواره نسبت به همسایگان سفارش می فرمود، تاحدی که گمان کردیم آنان را از ارث برندگان قرار خواهد داد!

امام صادق(ع) نیز در سخنی فرموده است: «بر شما باد نماز خواندن درمسجدها و همسایگی خوب با مردم». (6) اگر به دستور مکتب، رفتار بزرگوارانه و شایسته با همسایگان داشته باشیم، دوستیها را جلب می کند و افراد در مشکلات و گرفتاریها و نیازهای متقابل، با بهره گیری از این تکیه گاه، می توانند از قوت روح برخوردار باشند.

گاهی هم باید جور همسایه را کشید. این شرط همسایگی خوب است. «حسن جوار» تنها به این نیست که اذیت و رنجی به همسایه نرسانیم. گاهی تحمل سختیها و ناملایماتی که از سوی او برپیمان پیش می آید، مصداق این «حسن همجواری» است. اگر بخواهیم روابط از هم نگسلد، باید صبور بود و با تحمل، و گرنه، پاسخ بدی را با بدی دادن و در زشتیها مقابله به مثل کردن، نشان حقارت روح و دون همتی است. به علاوه این کار از همه برمی آید. گذشت و تحمل است که اراده و ایمان و بزرگواری می طلبد.

در عالم رفاقت، شراکت، دوستی، ازدواج و همسری، همسفری، محیط کار و ... نیز باید گاهی «سنگ زیرین آسیا» بود، نه کم ظرفیت و بی طاقت.

امام کاظم(ع) فرمود: حسن جوار و همسایه خوب بودن، تنها آزار نرساندن نیست، بلکه آن است که بر اذیت همسایه صبور و بردبار باشی: «لیس حسن الجوار کف الادی و لکن حسن الجوار صبرک علی الادی». (7).

روشن است که این گونه حدیثها هرگز مجوز «همسایه آزاری» نیست. اگر توصیه به بردباری نسبت به آزار همسایه شده، بیش از آن واکنش و شدیدتر، سفارش به خوش رفتاری و نرساندن آسیب و آزار به همسایگان شده است. مزاحمت برای همسایه، از بدترین رفتارهای اجتماعی است.

آخرین مرز

در هر چیزی حد و مرز و حریمی وجود دارد. وقتی از اندازه گذشت، صفحه برمی گردد و اوضاع، به گونه ای دیگر می شود. تحمل نسبت به آزار و زحمت آفرینی همسایه نیز این گونه است. گاهی مزاحمت به حدی می رسد که پایان خط است و حریمها و حرمتها دیگر فرومی ریزد، چون خود همسایه مردم آزار، حریم نگه نداشته است.

در تاریخ است که مردی خدمت پیامبر رسید و از آزار همسایه اش شکایت کرد. حضرت فرمود: برو و تحمل کن. بار دوم که به شکوه آمدو نالید، پیامبر باز هم دستور صبر و تحمل داد. آزار همسایه به اوج رسید و خارج از مرز تحمل. وقتی برای سومین بار، شکایت از همسایه کرد، حضرت رسول چنین راهنمایی و سفارش کرد: «روز جمعه، وقتی مردم به سوی نماز جمعه می روند، تو وسایل و اسباب و اثاث خویش را بیرون بریزو در رهگذار مردم قرار بده، تا همه آنان که به نماز می روند، این صحنه را ببینند. وقتی علت را می پرسند، ماجرا را به آنان بگو.» آن مرد نیز چنان کرد. همسایه مردم آزار (که آبروی خود را در خطر دید) بی درنگ به سوی او شتافت و ملتمسانه از او خواست که وسایلیش را به خانه برگرداند و قول داد وعهد و پیمان بست که دیگر آن گونه رفتار نکند. (8).

این نتیجه بی پروایی و قدرشناسی نسبت به لطفها و مداراهاست. لطف خدا هم با انسان خطاکار مدارا می کند، ولی ... «چون که از حد بگذری، رسوا کنی». از حلم و بردباری دیگران نباید سوءاستفاده کرد و نجابت و بزرگواری دیگران را نباید به حساب ضعف یا بی عرضگی آنان گذاشت.

حد و حق همسایه

محدوده رعایت حقوق همسایگان و داشتن رفتار شایسته، تنها به همسایه دست راست و چپ خانه منحصر نمی شود و تنها

به پرهیز از آزار هم خلاصه نمی گردد.

سرکشی، رسیدگی، احوالپرسی، رفت و آمد، مساعدت و یاری، عیادت، انفاق و صدقه، رفع نیاز، همدردی و ... از جمله اموری است که بر عهده هر همسایه است و اینها نشانه فتوت و جوانمردی است. پیشوای جوانمردان، علی بن ابی طالب (ع) فرمود: «من المروة تعهد الجيران»؛ (9) رسیدگی به همسایگان از مروت و جوانمردی است. حضرت امام باقر (ع) نیز در بیان صفات و خصال شیعه و پیروان و رهروان خط اهل بیت، یکی هم همین را دانسته و فرموده است: «و التعاهد للجيران من الفقراء و اهل المسكنة و الغارمین و الايتام ...»؛ (10) .

از نشانه های پیروان ما، رسیدگی به همسایگان نیازمند و تهیدست و بدهکاران و یتیمان است. چگونه انسان شرافتمند و باوجدان می تواند آسوده و با شکم سیر بخوابد و مرفه و برخوردار باشد، درحالی که در همسایگانش محرومان تهیدست، یتیمان بی سرپرست، گرسنگان بینوا و بدهکاران درمانده باشند و او بتواند گرهی بگشاید، امایی تفاوت باشد؟ اینجاست که کلام نورانی پیامبر خدا، بر تارك تاریخ می درخشد که فرمود: هر کس سیر بخوابد، در حالی که همسایه مسلمانش گرسنه باشد، به من ایمان نیاورده است. «ما آمن بی من بات شبعانا و جاره المسلم جايع» (11) آری، مسلمانی به عمل است، نه به ادعا و شعار!

این حقوق و رعایتها به تعبیر احادیث، تا مرز چهل همسایه از هر طرف است. امام صادق (ع) از رسول اکرم (ص) نقل می کند که فرمود: هر چهل خانه از هر چهار طرف، همسایه محسوب می شود. (12) . امام باقر (ع) نیز فرمود:

«حد الجوار اربعون دارا من كل جانب من بين يديه و من خلفه و عن يمينه و عن شماله» (13) . که مضمونش همان حد و حریم همسایگی تا چهل خانه از چهار طرف است.

اگر این حق و حد و حریم که اسلام بیان کرده است، مسؤولانه شناخته و رعایت شود، در جامعه اسلامی نیازمند و گرفتار و بینوایان بی سرپرست و رنجدیدگان دست از همه جا کوتاه و آبرومندانی که صورت خود را با سیلی سرخ نگه می دارند یافت نخواهد شد. سخن رادر این بخش، با کلامی از محدث بزرگوار، مرحوم «شیخ عباس قمی» به پایان می بریم، که چنین نوشته است:

«... در زمینه معاشرت نیکو با همسایه، حدیث بسیار است و «حسن جوار» هم تنها پرهیز از همسایه آزاری نیست، بلکه تحمل جفا و ناملایمات همسایه هم از آن جمله است. همچنین از امور مربوط به «خوش همسایگی»، ابتدا کردن به سلام، عیادت در هنگام بیماری، تسلیت و تعزیت گفتن در سوگها و مصیبتها، تبریک و تهنیت گفتن در شادیاها و اعیاد، چشم پوشی از لغزشها، سرک نکشیدن به رازها و امور پنهانی همسایه، مضایقه نکردن از کمکهایی که مورد نیاز او است، حتی گرمی خواهد چوبی (و تیرآهنی) بر دیوارت بگذارد، یا ناودانی را بر خانه تو بگذارد و از این گونه امور ... مضایقه نکنی و سخت نگیری ...» (14) .

پی نوشتها:

- 1) نهج البلاغه، صبحی صالح، نامه 31.
- 2) غررالحکم، چاپ دانشگاه، ج 7، ص 49.
- 3) کافی، کلینی، ج 1، ص 667، احادیث 8، 10 و 7.
- 4) در اصول کافی، ج 2 (عربی) باب «حق الجوار»، همچنین در سفینه البحار، واژه «جور» ملاحظه شود.
- 5) نهج البلاغه، صبحی صالح، نامه 47، خطاب به امام حسن و امام حسین (ع).
- 6) کافی، ج 2، ص 635.
- 7) همان، ص 667.
- 8) سفینه البحار، ج 1، ص 191 (واژه جار)، کافی، ج 2، ص 668.
- 9) غررالحکم، چاپ دانشگاه، ج 7، ص 49.
- 10) کافی، ج 2، ص 74.
- 11) سفینه البحار، ج 1، ص 192.
- 12) کافی، ج 2، ص 669، باب «حد الجوار».
- 13) همان.
- 14) سفینه البحار، ج 1، ص 192 «حسن الجوار».